



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۰۳/۰۲/۲۰۲۲

محمد صالح گردش

دو بار نمی توان به یک رودخانه پا گذاشت

دست بر دست زدن و هم دست و لب گزیدن، نشانه و بیانگر حسرت و حرمان است. حضرت حافظ در بیتهای دست و لب گزیدن را به همین معنی بیان داشته است:

بوسیدن لب یار اول ز دست مگذار

کاخر ملول گردی از دست و لب گزیدن

حسرت و حرمان بتدریج عامل و سبب ملالت و افسردگی، که یکی از بیماری های حاد روانی هست نیز می گردد

پس چه باید کرد که حسرت کش نبود و ملول و افسرده نشد؟ حافظ در ادامه در بیت دیگری گوید:

فرصت شمار صحبت کز این دو راهه منزل

چون بگذریم دیگر نتوان به هم رسیدن

در اینجا دید فلسفی حافظ با دید «هراکلیتوس» فیلسوف یونان باستان گره می خورد چنان که آن دانشمند گفته بود: "انسان دو بار نمی تواند در یک رودخانه پا بگذارد" در این دید فلسفی رویدادها، واقعه ها و فرصت ها تکرار ناپذیر اند. پس همه وقت می باید فرصت ها را غنیمت شمرد و خرد و عقل را پیشوا و رهبر خود ساخت و هر کاری را به موقع و زمانش می باید انجام داد تا از کرده ها و ناکرده ها نادم و پشیمان و حسرت خور نشد

عمر خیام گوید:

بر چشم تو عالم ار چه می آریند

مگر ای بدان که عاقلان نگریند

بسیار چو تو روند و بسیار آیند

بربای نصیب خویش کت بربایند

پس بربای نصیب خویش که زمان و فرصت ها نیز تکرار پذیر نیستند و چون آب رودخانه درگذر و برگشت ناپذیر اند و اگر چنان نشد شعله ی سخن «خواجه عبدالله انصاری» سر تا به قدم را روزی خواهد سوخت که گفت: وقتی توانستم، ندانستم و آن گه که دانستم، نتوانستم.

ای داد از دست غرور و نادانی ها نیز که چه فرصت هایی را از دست دادیم. چه عزیزانی را که دوست مان داشتند اما از غرور و گاهی هم از روی نادانی و بیشتر از گرفتاری زنجیر های تنیده شده رسوم و سنت ها بدست و پاهایمان جواب لیبکی برایشان نشدیم. نه به خود رسیدگی توانستیم و نه نیازمندی را بی نیاز ساختیم

ای کاش در پاره کردن زنجیر های اسارت جان خود را از دست می دادیم اما امروز نادم و پشیمان و افسرده و سر بگریبان نمی بودیم

پس ای جوانان امروز، زنجیر سنت ها و رسوم دست و پاگیر را بگسلید و به خواست و میل خود زندگی کنید و بدانید که دو بار نمی توانید به یک رود خانه پا بگذارید

پس می باید آب رودخانه را مساعد و آماده نوشیدن نمود.